

فهرست



دوماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه تصحیح انتقادی متون،

نسخه‌شناسی و مباحث ایران‌شناسی

دوره دوم، سال چهارم، شماره سی و هشتم،

فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۹

صاحب امتیاز:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر:

اکبر ایرانی

معاون سردبیر: عسکر بهرامی

مدیر داخلی: خاتون سرمدی

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملو فرد

طراح و صفحه‌آرا: انسیه فرجی

چاپ: نقره‌آبی

تهران، خیابان جمهوری، بین فخر رازی و دانشگاه

شماره ۳۰۶

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین دانشگاه و

ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲

طبقه دوم

کد پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

E-mail: gozash@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

سخن سردبیر
 آسیب‌شناسی حقوق نشر مکتوب و نشر دیجیتال ۲
 جستار

درباره لطف‌الله هروی، مترجم رساله فراست فخر رازی / پوران زبالی ۵
 زبان فارسی در دربار اتابکان موصل / علی صفری آق‌قلعه ۷
 پاره‌ها و نکته‌ها

یادآوردها / ایرج افشار ۱۱
 گمانی درباره نویسنده غنیة‌المنیة / علی صفری آق‌قلعه ۱۲
 شعری بر سنگ گوری از سده هفتم / عمادالدین شیخ‌الحکامی ۱۴
 تون و تبش، نه تون و طَبَس / سید محمد دبیرسیاقی ۱۵
 رساله

فی تشریح‌العین / یوسف بیگ‌باباپور ۱۷
 «هایهوی هیچ» آشنایی با چند نمونه تزئینی در ادب کهن فارسی /
 سعید شفیعیون ۲۱

نسخه‌شناسی
 وندیداد نسخه کتابخانه ملک / علیرضا دولتشاهی ۲۸
 یادداشت

چند خاطره کوتاه از استاد دکتر محمد معین / رضا سرلک ۳۰
 یادداشتهای مهربانانه ز بهر مهربانان / ن. مایل ۳۲
 ختم‌الغرائب یا تحفة‌العراقین: نکته‌ای شاید مغفول / کوشیار گیل ۳۷

بررسی
 دیاتسارون فارسی / ۳۸؛ ایتر پرسیکوم / ۴۳؛ دستورالجمهور فی مناقب
 ابویزید طیفور / ۴۵؛ فهرست اسناد آرشیه‌های گرجستان درباره تاریخ
 ایران / ۴۹؛ نکاتی درباره الهی‌نامه و اسرارنامه عطار / ۵۱.

معرفی کتاب
 اسکندرنامه / ۵۴؛ فهرست نسخه‌های عکسی کتابخانه بزرگ حضرت
 آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی «ره» / ۵۵؛ اخبار مغولان در انبانه قطب /
 ۵۷؛ منشآت سلیمانی / ۵۸؛ تاریخ فرشته / ۶۰؛ ساخته‌های زبان فارسی و
 مسئله ترجمه قرآن / ۶۳؛ قصه‌های عامیانه ایران / ۶۴؛ قرانیات / ۶۵.

نشست‌ها و همایشها
 نگارش متون علمی به زبان فارسی در سده‌های نخستین هجری ۶۶
 رونمایی ارج‌نامه مرحوم غلامحسین یوسفی ۶۹
 گزارش نشست نقد و بررسی کتاب ساختار معنایی مثنوی معنوی ۷۱
 تازه‌های میراث ۷۳
 نامه‌ها ۷۵

– گزارش میراث در پذیرش، اصلاح و ویرایش نوشته‌ها
 آزاد است.
 – نوشته ارسالی باید قبلاً در جایی چاپ نشده باشد.
 – مسئولیت نوشته‌ها با نویسندگان آنهاست.

تصویر خط «بسم‌الله» از نسخه کتابخانه John Rylands

نکاتی درباره‌ی الهی‌نامه و اسرارنامه عطار، تصحیح دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

سلمان ساکت^۱

چندی پیش در جستجوی مطالبی، بخت یارم شد و بار دیگر دو کتاب گرانسنگ الهی‌نامه و اسرارنامه را — این بار از روی چاپ انتقادی و بی‌تظیر استاد شفیعی کدکنی — خواندم. در این میان نکاتی به نظرم رسید که شاید در تصحیح و توضیحات کتاب سودمند افتد.

الف. الهی‌نامه

— ص ۱۸۷، بیت ۱۷۵۵:

امام، القصه، چون برداشت آواز

همی دیوانه غنّیای کرد آغاز

هلموت ریتر این بیت را به صورت قیاسی تصحیح و بدین‌گونه ضبط کرده است (ص ۹۹):

امام القصه چون برداشت آواز

همی آن غرنّبیدن کرد آغاز

بر اساس نسخه‌بدلهایی که ریتر در پانوشت همان صفحه به دست داده است، مصرع دوم در نسخه F «همی آن اغنیای...» و در نسخه‌های I و A «همی دیوانه غنّیان...» و در نسخه B «مران دیوانه بانگ گاو آغاز» ضبط شده است. بنابراین در هیچ نسخه‌ای ضبط ریتر وجود نداشته و او خود به طور قیاسی آن را تصحیح کرده است.

شفیعی کدکنی در تعلیقات مربوط به این بیت (ص ۵۶۰) پس از ذکر مطالب بالا، این پرسش را مطرح کرده است که «چه‌گونه استاد ریتر این صورت را در متن قرار داده است که حتی از نظر لغوی هم توجیه‌پذیر نیست [؟] زیرا هیچ‌کس غرنّبیدن را به صورت غرنّبیدن ندیده است و نمی‌شناسد». سپس به بخش نسخه‌بدلها (ص ۴۵۷) ارجاع داده و افزوده است که «روی قاعده‌ای که می‌گویند دشوارترین ضبط نزدیک‌ترین ضبط است، همان صورت عسای را باید مورد توجه قرار داد. از عجایب این که هم امروز، در بخش اعظم روستاهای خراسان بانگ گاو را عنّیای / عنّبی می‌گویند، از جمله در کدکن، و از متون کهن نیز می‌توان شواهدی برای این کاربرد یافت». شفیعی سپس از تاریخ بیهق، چاپ

زنده‌یاد بهمنیار (ص ۲۵۷) شعر زیر را به عنوان شاهد آورده است:

گاو و دو گوساله و گاوروانی

می حکم کنند اینت نکو ایمانی

تا چند طلب کنی ازو برهانی

از گاو مگر که بس بود غنّیانی

استاد در صفحه ۴۵۷ ذیل نسخه‌بدلهای بیت مورد بحث این ضبطها را ذکر کرده است: S G: همی دیوانه عنان (G: عسان [با دو دندانه]) کرد آغاز. A I U: همی دیوانه غنّیان کرد آغاز. F: همی آن اغنیای کرد آغاز. B: مران دیوانه بانگ گاو آغاز. H: همی دیوانه عنان کرد آغاز. T: همی دیوانه عاری کرد آغاز. Q: همی دیوانه عانی کرد آغاز. K: همی دیوانه افغان کرد آغاز. L: بکرد آن دیوانه بانگ گاو آغاز. D: همی کرد او چو بانگ گاو آغاز.

همان‌طور که می‌بینیم ضبط دشوارتر مورد نظر استاد، مربوط به نسخه‌های S و به‌ویژه G است، اما ضبط این نسخه اخیر در تعلیقات (ص ۵۶۰) «عسای» و در بخش نسخه‌بدلها «عسان» (با دو دندانه) است که چون به نسخه‌ها دسترسی ندارم، نمی‌دانم کدام یک صحیح است. همچنین استاد احتمالاً بر اساس شعر آمده در تاریخ بیهق از این ضبط هم گذر کرده‌اند و در متن (ص ۱۸۷) واژه «غنّیای» را وارد کرده است، حال آنکه بنده که چند سالی است وقت خود را صرف تصحیح و نوشتن تعلیقات برای این کتاب کرده‌ام (و به‌زودی آن را برای چاپ به مرکز پژوهشی میراث مکتوب می‌سپارم)، ضمن بررسیهای نسخ این اثر — حتی نسخه تاشکند که مرحوم بهمنیار آن را ندیده است — متوجه شدم که واژه «غنّیانی» در تمام آنها «عنّیانی» نوشته شده است و استاد بهمنیار احتمالاً به سبب بدخوانی آن را «غنّیانی» ضبط کرده است. بنابراین ضبط مصرع مورد نظر در تاریخ بیهق به صورت «از گاو مگر که بس بود عنّیانی» خواهد بود. همچنین با توجه به قافیه شدن این واژه با کلمه‌های «گاوروانی، ایمانی، و برهانی» باید پذیرفت که اصل واژه «عنّیان» است که همان بانگ گاو معنی می‌دهد.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد



اگر ضبط نسخه‌های S و G همان باشد که در نسخه‌بدلها آمده است، دیگر هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که مصرع دوم بیت ۱۷۵۵ در الهی‌نامه باید به صورت «همی دیوانه عنبان کرد آغاز» تصحیح شود. شایان یادآوری است که این ضبط با ضبط سه نسخه U، I و A هم بسیار نزدیک خواهد بود.

ص ۱۸۴، بیت ۱۶۹۹:

که چون گبری تو جانت بی‌درود است
ترا چونین پلی زان سوی رود است
دکتر شفیع ذیل تعبیر «پل آن سوی رود» آن را کنایه از بی‌حاصل و بی‌ثمر بودن دانسته و شواهدی از دیوان عطار و خمسة نظامی و تاریخ‌الوزراء و ... به دست داده است (بنگرید به: صص ۵۵۶-۵۵۷).

ص ۲۰۵، بیت ۲۱۳۸:

چو نشکیبی دمی از لوت و از لات

به سودا چند پیمایی خیالات

استاد شفیع در تعلیقات این بیت با اشاره به بیت «کسی کو علم لوت و لات داند / بلاشک این سخن طامات داند» که در اسرارنامه (ص ۱۶۲) آمده است، نوشته است: «عطار این دو کلمه [یعنی لوت و لات] را در معنی شکم‌پرستی و شهوات به کار می‌برد» (تعلیقات الهی‌نامه، ص ۵۷۶).

این تعبیر در تحفة‌العراقین خاقانی هم به کار رفته است (چاپ میراث مکتوب، ص ۷۲؛ چاپ سخن، ص ۱۰۶):

اینها همه مرد لات و لوتند

باد جبروت در بروتند

تعبیر «لات و لوت» در چاپ میراث مکتوب معنی نشده و در چاپ سخن، بدون استناد، «سخت ناچیز و فقیر» معنا شده است (ص ۳۲۷)، حال آنکه با توجه به این بیت عطار، باید آن را «شکم‌پرستی و شهوات» معنی کرد.

ب. اسرارنامه

ص ۱۴۹، بیت ۱۴۱۶:

به وقت نزع، در خود سهوت افتاد

که مرغ ناگرفته کردی آزاد

استاد در تعلیقات این بیت نوشته «نظیر آهوی ناگرفته بخشیدن است» و سپس بیتی را از فردوسی شاهد آورده است (ص ۳۷۱).

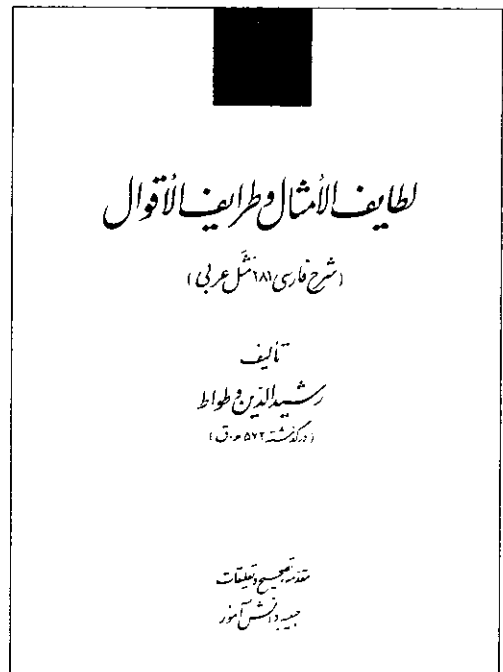
باید افزود که «مرغ ناگرفته بخشیدن» یکی از امثال کهن فارسی است که رشیدالدین وطواط آن را در لطایف‌الامثال به صورت «مرغ ناگرفته می‌بخشد» آورده است (ص ۶۰).

ص ۱۸۶، بیت ۲۲۴۹:

بتر زین در زمانه فتنه‌ای نیست

کزین چنبر رسن را رخنه‌ای نیست

در تعلیقات این بیت آمده است: «رنه به معنی گریزگاه است و ضرب‌المثل رایج این بوده است که



به نظر می‌رسد این تعبیر یکی از امثال قدیم فارسی باشد که صورت کهن‌تر آن در لطایف‌الامثال رشیدالدین وطواط به صورت «از جوی از آن سوی پل» آمده است (ص ۱۰۳). او این مثل «پارسیان» را ذیل مثل عربی «شرُّ الرأی الدَّیری» آورده است و در توضیح آن نوشته است: «این مثل آنجا باید گفت که کسی را در مصلحت‌کاری رایی روی نماید، بعد از آنکه آن کار گذاشته باشد و نیک و بد آن با سر شده و فایت گشته» (همان).

برای اجاره کردن دارد، جوبق می‌گویند.» (این آگاهی را مرهون مقدمه گرانسنگ یوسف الهادی بر ترجمه عربی تاریخ بیهق هستم. نیز بنگرید به ترجمه این مقدمه با عنوان «ابن فندق و تاریخ بیهق» از نگارنده در مزدکنامه ۳، به خواهانی جمشید کیان‌فر و پروین استخری).

الانساب

للمام ابی سعد عبد الکریم بن محمد
ابن منصور التمیمی السمعانی
المتوفی سنة ۵۱۲ هـ

تقدیم و تعلیق

عبد الله عمر البارودي
مركز الخدمات والابحاث الثقافية

الجزء الاول

دار الجنان

سمعانی در کتاب دیگرش، التخبیر فی المعجم الکبیر (۴۵۳ / ۲) بار دیگر همین مطالب را تکرار می‌کند اما کوتاه‌تر: «قال ابوسعید: [الجوبق] موضع بمرو، یباع فیہ الخضر و یسمی بالفارسیه جوبه، و بنیسا بور یسمون الخان الصغیر الذی فیہ بیوت تکتری، جوبه و النسبة الیها جوبقی.»

"این رسن را از چنبر گریزی نیست" یعنی سرانجام باید از چنبر عبور کند.» سپس از تاریخ‌الوزراء شاهی ذکر شده است (بنگرید به: ص ۴۲۹).

همان‌گونه که استاد متذکر شده است، مصرع دوم، ضرب‌المثل رایجی بوده است که صورتی از آن به صورت «همه رسته را گذر بر چنبر است» در قره‌العین از مؤلفی ناشناخته آمده است (ص ۱۹). از آنجا که این صورت از مثل با عبارت تاریخ‌الوزراء کاملاً هماهنگ است، پس باید همین شکل را صورت کهن و اصیل مثل به شمار آورد.

شایان یادآوری است که این مثل در بیت ۲۲۶۰ همین کتاب و نیز بیت ۳۳۴۲ مصیبت‌نامه (ص ۲۷۲) هم آمده که استاد بدانها اشاره کرده است.

ص ۲۱۴، بیت ۲۸۵۷:

ز خُرطبعی ست این کز جوب بسیار

جوی نَدھی و جان بَدھی، زهی کار

استاد در تعلیقات این بیت، ذیل واژه «جوب» نوشته است که همان جوبه است که در برهان قاطع (۲/ ۵۹۵) چنین معنی شده است: «جایی و مقامی ... در شهر که اسباب و امتعه و غله و آنچه از اطراف و جوانب از جهت فروختن آورند، آنجا فروخته شود.»

باید افزود که سماعی در الانساب (۲/ ۱۱۰) ذیل واژه جوبقی می‌نویسد: «جوبق نام مکانی است در مرو که در آنجا سبزی و میوه خرید و فروش می‌کنند و از آنجا به بقالیها و میوه‌فروشیها می‌برند. به این محل جوبه می‌گویند که پس از معرب شدن به آن جوبق گفته‌اند. در نیشابور به کاروانسرای کوچکی که اتاقهایی

